**جلسه 97-208**

**دو‌شنبه – 27/01/۹7**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

مسأله 3: لایشترط فی الستر الواجب فی نفسه ساتر مخصوص و لا کیفیة خاصة بل المناط مجرد الستر و لو کان بالید و طی الطین و نحوهما و اما الستر حال الصلاة فله کیفیة خاصة و یشترط فیه ساتر خاص و یجب مطلقا.

صاحب عروه فرموده است که ما یک ستر صلاتی داریم، ‌یک ستر غیر صلاتی. در ستر غیر صلاتی تستر به هر ساتری کافی است و لو مرد با دست خودش یا دست زوجه‌اش ستر کند قبل خود را، دبرش هم که با الیتین مستور است و یا با مالیدن گل یا مالیدن گچ ستر کند خودش را، ‌این کافی است. بالاتر بگوییم در توضیح کلام صاحب عروه: در تاریکی شب رفته است حمام، ‌آنقدر تاریک است که کسی او را نمی‌تواند ببیند، ‌همین تستر به تاریکی شب کافی است. رنگ اگر جرم دارد نه این‌که مثل حنا جرم نداشته باشد، مقتضای صناعت این است که کافی باشد.

[سؤال: ... جواب:] رنگی که ساتر هست مثل شیشه نباشد که از پشت شیشه دیده می‌‌شود جسم، نه، ‌یک شیشه سیاه رنگ مثلا، یک پلاستیکی بکشد روی عورتش، حجمش دیده می‌‌شود اشکال ندارد. ... معلوم بودن حجم که مشکل ایجاد نمی‌کند، ‌مهم استتار است. ... البته خلاف ارتکاز متشرعه هست کسی بیاید به قول شما رنگارنگ بکند به نحوی که جرم دارد بعد هم استدلال می‌‌کند می‌‌گوید اگر من می‌‌خواستم غسل بکنم شما نمی‌گفتید این حاجب است باید برطرف بکنی پس من حاجب قرار دادم و لکن اگر به مرّ فقه نگاه بکنید دلیلی بیشتر از این ما بر وجوب ستر نداریم. ... یحفظ فرجه من ان ینظر الیه، کسی نمی‌تواند نظر کند به فرج او. ... فرض این است که رنگ غلیظی می‌‌زند که تمام اجزاء عضو تناسلی، قضیب و بیضیتین او با این رنگ غلیظ پوشیده می‌‌شود.

یک روایتی هست، خیلی نقل این روایات جالب نیست ولی چون آقای خوئی نقل کرده [نقل می‌کنیم] عبید الله مرافقی که مجهول است می‌‌گوید دخلت الحمام فی المدینة صاحب حمام گفت امام باقر علیه السلام گاهی تشریف می‌‌آورد اینجا، فیبدأ فیطلی عانته و ما یلیها ثم یلف الازار علی اطرافه و یدعونی فأطلی سائر بدنه فقلت له یوما من الایام ان الذی تکره ان أری قد رأیته؟ قال کلا ان النورة ستره.

آقای خوئی این را نقل کرده و درست هم می‌‌گوید‌، می‌‌گوید اولا ضعیف السند است و ثانیا بسیار بعید است و‌شان امام اجل است از این کار. البته از نظر فقهی اشکال ندارد که انسان مثل همان طلی بالطین، ‌طلی بالجص‌، طلی بالنورة، آنقدر نوره بمالد که مستور بشود کل عضو تناسلی.

و لذا این روایت را اگر آقای خوئی مطرح نمی‌کرد بهتر بود، ‌حالا ایشان مطرح کرده. مقتضای صناعت این است که اشکال ندارد.

ببینید! آنی که واجب هست سترش این است که انسان عین عورت را باید مستور بکند. اگر شیشه رنگی هم باشد، ‌از پشت شیشه رنگی عورتش دیده بشود باز هم حرام است. چرا؟ برای این‌که لونش را مستور کرد با این شیشه رنگی، شیشه‌ای که مثلا رنگ آبی دارد، رنگ قرمز دارد و پشت او هر چه هست قرمز دیده می‌‌شود، ‌رنگ عورتش را مستور کرد و لکن عین عورتش مستور نیست، این هم حرام است. و لکن اگر عین عورت را مستور بکند، حجم عورت مکشوف باشد این دلیل بر حرمت ندارد. مثل این‌که با یک لباس تنگی مردی بیاید و عورتش را بپوشاند که تمام حجم عورتش دیده می‌‌شود، این ساتر است دیگه. و لذا فقهاء‌ فرمودند این اشکال ندارد.

بنابراین این عبارت صاحب عروه که فرموده که و الواجب ستر لون البشرة و الاحوط ستر الشبح الذی یری من خلف الثوب من غیر تمیز للونه و اما الحجم ‌ای الشکل فلایجب ستره. نسبت به این‌که الحجم لایجب ستره مطلب درستی است، ‌نسبت به این‌که الواجب ستر لون البشرة او هم مطلب درستی است، اما الاحوط ستر الشبح چرا احتیاط؟ ببینید! الشبح الذی یری من خلف الثوب من غیر تمیز للونه، برخی از لباس‌ها بدن‌نما هستند، ‌رنگ را انسان تشخیص نمی‌دهد ولی عرفا صدق می‌‌کند که دیده می‌‌شود بدنش. مثل این شیشه دودی می‌‌شود، شیشه رنگی می‌‌شود که رنگ عورت این مرد از پشت این شیشه رنگی دیده نمی‌شود ولی عرفا می‌‌گویند عورتش دیده شد، چه جوری شما می‌‌فرمایید احتیاط واجب ستر شبح هست، ‌نخیر، فتوی باید بدهید.

[سؤال: ... جواب:] این‌که شما می‌‌فرمایید که اگر حجمش دیده بشود می‌‌گویند همه چیزش دیده می‌‌شود مسامحه است. و الا این مردی که لباس تنگ می‌‌پوشد شما می‌‌گویید ما بدنت را دیدیم؟ کی بدنت را دیدیم؟ ... بنده در طی بالطین و الجص نگفتم خلاف ارتکاز. آن رنگ جرم‌دار، این قوطی‌های رنگ، جرم دارد دیگه، بگیرد با آن قلم رنگ زن عورتش را رنگ بزند به جوری که حجم پیدا کند و گفتیم مقتضای مر فقه این است که این کافیه ولی خلاف مرتکز است ولی یک کیلو گل بمالد به عورت تناسلیش این‌که کمتر از لباس نیست در غیر نماز.

[سؤال: ... جواب:] ما در مورد آرایش صورت گفتیم ابداء زینت است. ... او ابداء وجه نکرده ابداء زینت کرده. بله کسانی که مثل مرحوم آقای خوئی و آقای زنجانی معتقدند و لایبدین زینتهن کنایه است از ابداء جسد، موضع زینت، علی القاعدة آن‌ها نباید اشکال کنند چون این وجهش را که نشان نداد، ‌حالا وجهش را هم که نشان بدهد آقای زنجانی که اشکال نمی‌کند و این آرایش روی وجهش به عنوان ابداء زینت که حرام نیست به عنوان آخری که از فقه و از نصوص استفاده شده که کاری بکند زن که موجب تهییج نوعی مردان است جایز نیست؛ از آن باب آقای زنجانی می‌‌گویند حرام است. و لذا آن بحث دیروز ما که زنی است که هر چه آرایش بکند تازه می‌‌شود یک زن عادی، یک زن معمولی، ‌ازاله منفرات می‌‌کند ایشان فرمودند که این اشکال ندارد چون به عنوان ابداء زینت که ما حرام نمی‌دانیم، ‌ابداء زینت می‌‌گوییم مراد ابداء مواضع زینت است که وجه و کفین استثناء شده، ‌خود آرایش را نشان دادن که حرام نیست، از آیه نمی‌شود استفاده کرد حرمتش را. فقط می‌‌ماند آن مطلبی که از لایخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض استفاده کردیم که کاری که مهیج نوعی است نباید انجام بدهد، ‌آرایش‌هایی که مهیج نوعی است باید پنهان بشود. اما آرایش‌هایی که موجب تهییج نوعی نیست آن‌ها آشکار کردنش اشکال ندارد. حالا این به مناسبت اشاره‌ای که شما فرمودید. آنجا بحث ابداء‌ زینت بود، ‌ما گفتیم عرفا آرایش را نشان دادن ابداء زینت است و لایبدین زینتهن. اینجا که بر مرد که حرام نیست ابداء‌ زینت. بعد هم این چه زینتی است؟ رنگ سفید بگیرد بمالد به عضو تناسلیش این ابداء زینت است؟ بعد هم بر مرد حرام است ابداء زینت؟ و لذا اینجا بحث این است که یستر عورته، ‌عرفا ستر عورته دیگه.

مقصود این هست که این‌که صاحب عروه فرمود الاحوط ستر الشبح الذی یری من خلف الثوب به ظاهرش ایراد دارد:

اگر مراد از شبح این هست که با این لباس‌های بدن‌نما که فقط رنگ را می‌‌پوشاند و لکن عرف می‌‌گوید از پشت این لباس ظریف و رقیق بدنت دیده می‌‌شود، خب این چرا حرام نباشد؟ مثل عرض کردم شیشه‌های رنگی می‌‌شود که شخصی پشت آن لخت ایستاده، خب هر عرفی می‌‌گوید که بدنش و عورتش دارد دیده می‌‌شود و لو رنگش دیده نشود.

اگر مراد از شبح سایه است، ‌او بحث دیگری است. گاهی عرفا خود عورت دیده نمی‌شود، سایه می‌‌اندازد به اطراف لباس در آفتاب، او یک بحث دیگری است؛ آن را نمی‌شود گفت حرام است، فوقش باید احتیاط بکنیم. مثل کسی که پشت دیوار ایستاده، ‌لخت هم هست، سایه‌اش می‌‌افتد جلوی چشم شما، او هم فرض کنید در زمانی که سایه انسان چند برابر خود انسان می‌‌شود، این را نمی‌شود فتوی به حرمتش داد. اما مراد از شبح این است؟ آن وقت ثوبی هم که در جلوی آفتاب این حالت پیدا می‌‌شود که عورت دیده نمی‌شود، ‌سایه می‌‌اندازد به اطراف او را احتیاط کردن خوب است اما آن ثوب‌های رقیق که اصلا زیرش دیده می‌‌شود و لو رنگ بدن تغییر بکند و دیده نشود این باید فتوی به حرمتش داده شود.

[سؤال: ... جواب:] او که ایشان فرمود فاما الحجم فلایجب ستره، ‌تصریح کرد گفت حجم بدن سترش لازم نیست، حجم عورت سترش لازم نیست. ... فعلا بحث عورة الرجال است. این‌که در عورة النساء أمام الرجال زن یک لباسی بپوشد که حجم عضو تناسلیش نزد مردان دیده می‌‌شود، او اشکال دارد و لو ستر کرده عورتش را اما به ملاک‌های دیگر او اشکال دارد. فعلا بحث ستر مرد است نسبت به عورتش که و لو حجمش هم دیده بشود، یک کاغذی را با چسب چسبانده روی عورتش، اصلا چسب برق که رنگی هست زده که کاملا حجمش دیده می‌‌شود، خب دلیل بر حرمت دیگه ندارد.

[سؤال: ... جواب:] ربطی به آن بحث ندارد، آنجا زنا صدق می‌‌کند که اگر لف خرقه کند، او را گفتند اذا التقی الختانان وجب الحد، ‌این التقاء ختانین نیست، با حاجب این زنا کرده، او را از این باب می‌‌گفتند‌، نمی‌گفتند حرام نیست می‌‌گفتند این حد ندارد که او هم حرف درستی نیست. ربطی به بحث ما ندارد. ... اگر هم متهم می‌‌کنید بنده را متهم نکنید، مشهور فقهاء این را گفتند، اصلا ما مخالفی پیدا نکردیم، ‌هر کسی گفته گفته الحجم لایجب ستره.

صاحب عروه فرموده که ضمنا بگویم ستر عورتین که بر مرد واجب است، قضیب هست و بیضتین هست و حلقة الدبر. اما العجان یعنی ما بین الدبر الی اصل القضیب، سترش واجب نیست، احتیاط مستحب هست. کسی لباسی که پوشیده، شلواری که پوشیده سوراخ است، بخشی از عجانش که نشسته دیده می‌‌شود، هر چی می‌‌گویند آقا! ستر کن!‌ می‌‌گوید شما بروید عروه بخوانید، می‌‌گوید احتیاط یعنی احتیاط مستحب ستر عجان است.

آقای خوئی فرموده خب درست می‌‌گوید صاحب عروه. البته عادتا کسی که ستر می‌‌کند قبل و دبر را عجانش هم ستر می‌‌شود. که عرض کردم ایشان این لباسی که گاهی سوراخ هست گاهی نخش در رفته، این‌ها را توجه نکرده. ایشان فرموده که ما هم قبول داریم که ستر عجان واجب نیست. چون دلیل نداریم بر وجوب ستر عجان، عورت در روایات تفسیر شده به قضیب و دبر، بیضتین هم ملحق شده اما بیش از این ما دلیلی بر وجوب سترش نداریم. اگر هم اطلاقاتی که تفسیر می‌‌کند عورت را به قبل و دبر تشکیک در او کردیم سندا او دلالتا، کافی است رجوع به اصل برائت بکنیم.

[سؤال: ... جواب:] الیتین که مسلم لیس من الدبر. الیتین معلوم است که خارج است از دبر. آمپول اگر کسی مریض است بزند به پایش می‌‌گویید که جایز نیست در حال اختیار چون الیتینش را نشان می‌‌دهد به آن آمپول زن؟ این‌که دبر نیست. بحث در عجان است که آقای خوئی درست گفتند. حداقل این است که مقتضای اصل برائت جواز کشفش هست.

[سؤال: ... جواب:] بحث جواز کشف و جواز نظر است فی حد ذاته، او بحث تحریک شهوت [است]، وارد یک بحث دیگری می‌‌شویم؛ این اشکال عامی است. نحوه لباس پوشیده بعضی از مردها مهیج است، مراعات نمی‌کنند دیگه، آیا حرام است بر خود آن مرد؟ مرد می‌‌گوید من چکار دارم من که به قصد تهییج دیگران این کار را نمی‌کنم، هر کی تهییج می‌‌شود نگاه نکند. ما در در مقابل این چه حرفی داریم برای گفتن؟ به چه دلیل این شخص که می‌‌گوید من ابداء به داعی تهییج غیر این نحو لباس را نپوشیده‌ام، لباسی که حجم بدن را نشان بدهد، لباسی که بعض مواضع حساس بدن را غیر از قبل و دبر نشان بدهد، می‌‌گوید من که به قصد تهییج این کار را نکردم، دیگران تهییج می‌‌شوند خب نگاه نکنند. این بحث‌هایی است که باید بعدا مطرح بشود.

 [سؤال: ... جواب:] جوانی که لخت می‌‌شود‌، آستین‌کوتاه می‌‌پوشد یا لخت می‌‌شود به داعی تحریک زنان دیگر یا به داعی تحریک دیگران این خلاف فحوی نهی از منکر است، دارد ترغیب به منکر می‌‌کند این. و لااقل از مذاق شارع این را به دست آوردیم که انسان بدنش را جوری عرضه کند که دیگران تهییج شود این حرام است و خلاف فحوی نهی از منکر هم هست. بلکه برخی از فقهاء گفته‌اند اگر بداند دیگری تحریک می‌‌شود هم واجب است بپوشاند. که این بحثی است که قبلا به آن اشاره کردیم. ‌مورد اختلاف بود: صاحب عروه واجب می‌‌دانست ستر را با علم به نظر از روی شهوت دیگران و لکن برخی مثل امام و آقای خوئی فرمودند ما دلیلی بر حرمت این کار نداریم. اعانت بر اثم هم عرفا صدق نمی‌کند بر این. این مثل این می‌‌ماند که شما درس می‌‌خوانی می‌‌دانی دیگران تحریک می‌‌شوند حسودی می‌‌کنند شما را، غیب می‌‌کنند شما را، اگر درس نخوانی که حساس نمی‌شوند به شما، نه حسودی می‌‌کنند، نه غیبت می‌‌کنند نه تهمت می‌‌زنند اما درس بخوانی یک عده حساس می‌‌شوند‌، حسودی می‌‌کنند، ‌غیب می‌‌کنند، ‌تهمت می‌‌زنند‌. درس خواندن شما حرام است؟ ‌اعانت بر اثم است؟ نه، ‌عرف به این نمی‌گوید اعانت بر اثم. ایجاد زمینه و موضوع گناه دیگران‌ که بطور مطلق اعانت بر اثم نیست. مثلا حضرت یوسف نزد زنان حاضر شد این اعانت بر اثم بود؟ چه اعانت بر اثمی؟ عرفا به این اعانت بر اثم نمی‌گویند حتی اگر ما قائل بشویم بر حرمت اعانت بر اثم.

[سؤال: ... جواب:] چرا شما فرض می‌‌کنید طلی بالطین و الجص؟ سفارش می‌‌کنیم که با گچ باشد چون گل حالت ماده‌گی ندارد می‌‌افتد، آقای خوئی هم فرموده و اما الطین فالستر به مشکل مگر کاه‌گل باشد. کاه‌گل‌مالی، گچ‌مالی، این ساتر است دیگه. ... من نمی‌دانم زن‌ها اگر بدشان نیاید از این قیافه قطعا مهیج نوعی نیست. حالا مهیج نوعی هم باشد بحث شد که آیا حرام است مرد کاری بکند که می‌‌داند دیگران تهییج می‌‌شوند اما به داعی این کار نیست. حالا ما بحث فی حد ذاته را می‌‌کنیم که ستر غیر صلاتی یتحقق بذلک.

[سؤال: ... جواب:] مرحوم آقای خوئی قبلا گفتیم وفاقا لصاحب العروة احتیاط واجب می‌‌کند عورت نساء بالنسبة به محارم‌شان ما بین السرة‌ الی الرکبة است. اما مطلق عورت ما بین السرة و الرکبة باشد حتی رجال؟ این مطلبی بود که ما قبلا از قاضی ابن البراج و ابوالصلاح حلبی نقل کردیم و جواب دادیم. دیگه تکرار نمی‌کنیم.

هذا کله فی الستر غیر الصلاتی.

اما الستر الصلاتی: صاحب عروه فرموده مطلق تستر کافی نیست، باید تستر به ثوب باشد. گل بمالد جلوی خودش و پشت سر خودش، این کافی است؟ با همین نماز بخواند؟ نخیر، ‌این کافی نیست. در نماز باید تستر به ثوب بکند.

[سؤال: ... جواب:] فعلا بحث ما تستر رجال است، ‌تستر نساء‌ را در غیر نماز که قبلا مفصل بحث کردیم، ‌تستر نساء‌ در نماز را حکمش را بعدا می‌‌گوییم، ‌فعلا بحث تستر رجال است.

مرحوم صاحب عروه مفصل این بحث را در مسأله 16 آورده. مسأله 16 را بخوانم، ‌فرموده است که الستر الواجب فی نفسه، ‌یعنی آن ستر غیر صلاتی، یحصل بکل ما یمنع عن النظر و لو کان بیده او بید زوجته کما انه یکفی ستر الدبر بالالیتین و اما الستر الصلاتی فلایکفی فیه ذلک و لو فی حال الاضطرار بل لایجزی الستر بالطلی بالطین حال الاختیار، ‌در حال اختیار نمی‌تواند گل بمالد به قبل و دبرش نماز بخواند. نعم یجزی حال الاضطرار علی الاقوی، بله اگر لباس ندارد گل بمالد و نماز بخواند.

امام قدس سره فرمودند گل‌مالی انسان را از عریان بودن خارج نمی‌کند. در حال اضطرار هم یعنی اگر لباس نداری، گیاه نداری که قبل و دبرت را با گیاه بپوشانی نماز تو نماز عاریا هست، گل هم بمالی کیفیت نمازت همان نماز عاریا هست. یعنی باید برای رکوع و سجود اشاره کنی. اگر ناظری نیست ایستاده بخوان با ایماء به رکوع و سجود، ‌اگر ناظری هست نشسته نماز بخوان. حالا اگر ناظری نبود ایستاده نماز بخوان با ایماء به رکوع و سجود، ‌دلت را خوش نکن که من گل‌‌مالی کردم.

این نظر امام است. یعنی در حال اضطرار هم بر خلاف صاحب عروه امام فرموده طلی بالطین کافی نیست برای ستر نماز.

[سؤال: ... جواب:] صاحب عروه گفت اما الستر الصلاتی فلایکفی فیه ذلک و لو فی حال الاضطرار که با ید خودش بپوشاند یا با ید زوجه‌اش بپوشاند یا تاریک است کسی نمی‌بیند‌، این‌ها کافی نیست. راجع به طلی بالطین هم گفت در حال اختیار که لباس دارد مجزی نیست طلی بالطین، بله در حال اضطرار از صلات عریانا خارج می‌‌کند انسان را اگر طلی بالطین بکند. امام فرمودند در حال اضطرار لباس هم اگر ندارد طلی بالطین انسان را از صلات عاریا خارج نمی‌کند و کیفیت نماز می‌‌شود نماز عاریا.

بعد در ادامه صاحب عروه فرموده و اما الستر بالورق و الحشیش، ‌ستر به گیاه، فالاقوی جوازه حتی حال الاختیار. اقوی جواز ستر به گیاه است حتی در حالی که ثوب هم دارد.

مرحوم آقای خوئی اینجا حاشیه زده فرموده نخیر، ‌ستر به گیاه یا پنبه بافته نشده که عنوان ثوب بر آن صادق نیست در حال اختیار مجزی نیست. بله در حال اضطرار جایز است. مرحوم آقای خوئی فرموده به نظر من عرفا طلی بالطین، ستر بالحشیش، این‌ها عرفا انسان را ‌از عریان بودن خارج نمی‌کند و لکن اگر لباس نداشتی ستر بالحشیش یا طلی بالطین منشأ می‌‌شود که انسان در حال اضطرار نماز اختیاری بخواند یعنی نماز با رکوع و سجود اختیاری بخواند.

پس خلاصه فتوی صاحب عروه را بگویم، فتوی صاحب عروه این بود که ستر صلاتی در او کافی نیست طلی بالطین در حال اختیار و اما ستر به حشیش کافی است حتی در حال اختیار. در مقابل، ‌امام فرمود: طلی بالطین حتی در حال اضطرار هم کافی نیست، ‌یعنی انسان اگر لباس نداشت، طلی بالطین کرد باز باید برای رکوع و سجود ایماء کند.

مرحوم آقای خوئی فرموده که ما سه مرحله داریم:

لباس داری؟ باید لباس بپوشی. خوب دقت کنید!‌ نه تنها ساترت ثوب باشد بلکه باید لبس ثوب بکنی. یعنی چه؟ یعنی فرموده آقایی که در تخت بیمارستان افتادی، ‌مجبوری نماز خوابیده بخوانی! یک وقت به این قناعت نکنی که لحاف رویت کشیدی، نخیر، ‌ستر کردی خودت را اما عرفا تو عاری هستی؛ عاری در مقابل لابس ثوب است، ‌تو لابس ثوب نیستی. اگر می‌‌خواهی لابس ثوب باشی این لحاف یا این پتو را دور خودت بپیچ، روی خودت بیندازی این لبس نیست. پس مرحله اول لبس ثوب است و از روایات استفاده می‌‌شود که انسان باید لابس ثوب باشد نه تنها تستر ثوب لازم است بلکه باید آن ثوب را بپوشد نه این‌که روی خودش بیندازد.

[سؤال: ... جواب:] عبا اگر از پشت سر روی دوش‌تان بیندازید این لبس است، بپیچید دور خودتان این لبس است. اما اگر بخوابید عبا را بپیچید دور خودتان این لبس نیست. ... تشک را شما لبس نکردید، زیر خودتان انداختید، لحاف را لبس نکردی، روی خودتان انداختید. باید لابس باشید، یعنی دور خودتان بپیچید.

مرحله دوم این است که ممکن نباشد لبس ثوب. اینجا نوبت می‌‌رسد به ستر به یک ساتری و لو طین ان امکن التستر به که ما گفتیم اگر می‌‌خواهید تستر به او ممکن باشد می‌‌توانید به جای طین مثال بزنید به گچ، کاه‌گل یا تستر به حشیش.

مرحله سوم این است که این هم ممکن نباشد که نوبت می‌‌رسد به نماز عاریا که اگر ناظری نیست ایستاده نماز می‌‌خواند و ایماء به رکوع و سجود، ‌اگر ناظری هست نشسته نماز می‌‌خواند.

این محصل فرمایش آقای خوئی است. آقای خوئی فرمودند ما از مجموع روایات می‌‌فهمیم تستر واجب اولی برای نمازگذار این است که لبس ثوب بکند. دلیلش این روایات است، اولین روایت صحیحه علی بن جعفر است: سألته عن رجل عریان و حضرت الصلاة فاصاب ثوبا نصفه دم او کله دم یصلی فیه او یصلی عریانا؟ علی بن جعفر می‌‌گوید یک شخصی عریان بود، وقت نماز یک ثوب نجس دارد، در آن ثوب نجس نماز بخواند یا عاریا نماز بخواند؟ امام فرمود اگر آب دارد آن لباس را بشورد و در آن لباس نماز بخواند، ‌اگر آب ندارد نماز در لباس نجس بخواند.

مرحوم آقای خوئی فرموده این‌که اگر آب ندارد در همان لباس نجس نماز بخواند این مورد تعارض روایات است، این فقره را بگذارید کنار که برخی از روایات می‌‌گوید که لم یصل فی النجس و صلی عریانا. ما به فقره اولی این روایت تمسک می‌‌کنیم که ان وجد ماء غسله‌ أی غسله و صلی به. خب اگر شرط نبود که نماز در آن ثوب باشد چرا امام فرمود ان وجد ماء غسله؟ و اصلا مرتکز سائل هم نشان می‌‌دهد که می‌‌دانست اگر لباس پاک است باید در لباس پاک نماز بخواند. و این نتیجه می‌‌دهد که نماز به مطلق ساتر مجزی نیست، باید ساتر ثوب باشد و صدق کند صلی فیه. صلی فیه یعنی صلی مع لبسه. و الا مجزی نیست.

تامل بفرمایید ان‌شاءالله تا فردا.